

عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی آرای مولوی و ابن عربی در باب احوال مشاهده و یقین

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهشهای ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره 15، شماره 1 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

رقیه شفق کلوانق - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

رامین محرمی - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

شکراله پورالخاص - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

عسگر صلاحی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

خلاصه مقاله:

«مشاهده و یقین» از احوال عرفانی است. عارفان، شهود تجلی ذات را مشاهده، و طمانینه دل بر حقیقت اشیاء را، بدون هیچ شک و ظنی، یقین می نامند. نگارندگان در این پژوهش، به بررسی نوع تلقی ابن عربی و مولانا از احوال عرفانی مشاهده و یقین پرداخته اند؛ نیز اندیشه ها، باورها و تجربه های مشترک و متفاوت این دو اندیشمند حوزه تصوف و عرفان اسلامی را در این باب بازنموده اند. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی، مبتنی بر تبیین وجوه اشتراک و اختلاف ساختاری و کلی است. براساس یافته های پژوهش، ابن عربی و مولوی مشاهده را در ارتباط با تجلی به کار می برند و بر آن اند که منظور از مشاهده، مشاهده تجلیات حق است، نه خود حق؛ ولی ابن عربی بحثی متفاوت از مکاشفه نیز ارائه می دهد و عقیده دارد مکاشفه از مشاهده بالاتر است. مولوی در توصیف مراتب اول و دوم یقین، دو وجه دانش و بینش را مطرح می کند. هر دو اندیشمند بر آن اند که یقین چیزی است که انسان در آن بر بصیرت و بینش باشد و حق یقین زمانی پدید می آید که خداوند، عارف را در نفس الامر و واقع حکمی واجب بر او و یا در خطاب به خود قرار دهد. ابن عربی می کوشد در تبیین یقین شناسی، خارج از دایره شریعت قدم بردارد؛ به همین علت است که یقین در نظر او ارزشی دینی و عرفانی دارد که شرط دستیابی به آن در گرو عبادت است.

کلمات کلیدی:

مشاهده، مکاشفه، تجلی، یقین، ابن عربی، مولوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1481292>

